

Freedom of association and the selectivity of agents

Abstract

The purpose of this study is the selective competence of administrative and law enforcement officers in managing group freedoms (gatherings and marches) and competence determines the scope of action and activities of the administration; An important issue in public law regarding jurisdiction is that the principle is incompetence; Unless authorized to the public by law. Competence is obligatory and selective; In the second category, the administrative authority has the power to choose and can choose from several options. Supervision is doubly important as one of the fundamental issues of public law in selective competencies; Although the public authority has more freedom and initiative in this type of jurisdiction, this does not mean making arbitrary decisions. One of the most challenging missions of administrative and law enforcement officers in terms of attention in the community is to maintain order in the management and control of crowds that have been formed with the aim of protest. Is. However, the abuse of these powers by administrative and law enforcement officials is one of the issues that has raised many concerns, and it is better to limit the selectivity to more limited.

Keywords: selective competence, administrative officers, law enforcement officers, group freedom, gatherings, march

صلاحیت‌گزینشی ماموران انتظامی در مدیریت آزادی اجتماعات

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۳

علی سلیمی^۱علی اکبر گرجی ازدریانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳

عسگر جلالیان^۳**چکیده**

هدف از پژوهش حاضر صلاحیت‌گزینشی ماموران اداری و انتظامی در مدیریت آزادی‌های گروهی (تجمعات و راهپیمایی‌ها) است و صلاحیت، تعیین‌کننده حوزه اقدام و فعالیت اداره است؛ موضوع مهم در حقوق عمومی راجع به صلاحیت آن است که اصل بر عدم صلاحیت است؛ مگر آنکه به موجب قانون صلاحیتی به مقام عمومی اعطا گردد. صلاحیت بر دو قسم تکلیفی و گزینشی است؛ در قسم دوم، مقام اداری اختیار انتخاب داشته و می‌تواند از میان چند گزینه به انتخاب بپردازد. نظارت به عنوان یکی از مباحث بنیادین حقوق عمومی در صلاحیت‌های گزینشی اهمیت دو چندان می‌یابد؛ به رغم آنکه، مقام عمومی در این قسم از صلاحیت آزادی و ابتکار بیشتری دارد، این امر به معنی اتخاذ تصمیمات خودسرانه نمی‌باشد. یکی از چالش‌برانگیزترین مأموریت‌های ماموران اداری و انتظامی از حیث توجه در اجتماعات، حفظ نظم در مدیریت و کنترل ازدحاماتی است که با هدف اعتراضی تشکیل شده است در نظام‌های مختلف جهت افزایش کیفیت و کارآمدی، اختیارات زیادی به ماموران اداری و انتظامی اعطا شده است. با اینحال، سوءاستفاده ماموران اداری و انتظامی از این اختیارات از جمله مسائلی است که دغدغه‌های بسیاری را ایجاد کرده است و بهتر است صلاحیت‌گزینشی را محدود تر نمایند.

واژگان کلیدی: صلاحیت‌گزینشی، ماموران اداری، ماموران انتظامی، آزادی گروهی، تجمعات، راهپیمایی

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران. ali_salimi49@yahoo.com

^۲ دانشیار، گروه حقوق عمومی و حقوق اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) a_gorji@sbu.ac.ir

^۳ دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. dr_ajalalian@yahoo.com

حیات انسان در روزگار کنونی از بدو تولد تا پایان زندگی، محصور در دخالت های دولت است و به موازات رواج حضور دولت ها در حوزه های مختلف حیات اجتماعی، تحلیل حقوقی مسأله صلاحیت و اختیارات مقامات عمومی اهمیتی دوچندان یافته است (لاگلین، ۱۳۸۸، ۸۵). صلاحیت مجموعه اختیاراتی است که قانون گذار به مقامات و مأموران عمومی برای انجام اعمال و تصمیماتی معین در زمان و مکانی معین داده است (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۵، ۲۰). صلاحیت اختیار قانونی یک مأمور رسمی برای انجام پاره‌های از امور مانند صلاحیت دادگاهها و صلاحیت مأمور دولت در تنظیم سند رسمی است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵) صلاحیت در حقوق اداری دربرگیرنده مجموع اختیارات مقام عمومی است. (مشهدی، ۱۳۹۱) صلاحیت، شایستگی و اجازه قانونی است که از طرف قانون به مقام اداری برای مدیریت مطلوب اداره اعطاء می گردد (علی آبادی، ۱۳۸۳) صلاحیت، اقتدار و اختیاری است که قوانین و مقررات حاکم بر یک سازمان عمومی به یک یا چند شخص حقیقی که مقام رسمی دارند اعطا می کند تا بتوانند بهنام این سازمان و برای این سازمان اعمال حقوقی انجام دهند (هداوند و مشهدی، ۱۳۹۵) از نظر میشل رو سو، صلاحیت آن دسته از اختیاراتی است که به موجب قانون به مقام اداری واگذار می شود باجمع بندی موارد فوق میتوان گفت: صلاحیت الزام یا تجویز قانونی است که بر اساس آن، اقدامات مقامات عمومی و جاهت یافته و اقتدار آنها در چاقوب حاکمیت قانون، پذیرفتنی میگردد. الزام یا تجویز قانونگذار، نقطه عزمی است که صلاحیت های قانونی اداره را بر مبنای آن می توان تفکیک کرد. توضیح این، که اداره اصولاً تابع دو دسته از قواعد است؛ نخست قواعد امری که در آن، اداره موظف به اتخاذ تصمیم مطابق معیارهای از پیش تعیین شده است و دوم، قواعد تجویزی که بر اساس آن، مقام اداری مجاز به اتخاذ و انتخاب بهترین تصمیم با توجه به شرایط و ضرورت های منفعت عمومی است بر اساس اینکه قاعده موجد صلاحیت، امری یا تجویزی باشد؛ نویسندگان حقوق اداری، صلاحیتها را به دو دسته تقسیم میکنند: تکلیفی و تخییری در حقوق اداری، صلاحیت وقتی تکلیفی است که در برابر اوضاع و احوال معینی، قانون قبلاً نوع عمل و تصمیمی را که مأمور باید اتخاذ کند، معین نموده باشد (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۵، ۴۱۰). در این حالت، اداره با شرایط از پیش تعیین شده، آمرانه و مقید به قواعد حقوقی مشخص روبروست و از هیچگونه آزادی عمل و حاشیه ارزیابی در تصمیمگیری برخوردار نیست. در واقع، اداره در چارچوب هنجارهای امری قرار دارد (مشهدی، ۱۳۹۱) در برابر صلاحیت تکلیفی، مفهوم صلاحیت اختیاری یا گزینشی قرار دارد که به طور خلاصه عبارت است از حق یا قدرت انتخاب میان طیفی از گزینه های بدیل (بیکس، ۱۳۸۹: ۲۲۹) یا به تعبیری، اختیار مقام اداری در انتخاب یکی از گزینه های موجود و اتخاذ تصمیم مبتکرانه در چارچوب اهداف قانون گذار یا اقتضائات عادلانه در یک وضعیت خاص نوع صلاحیت متضمن دو عنصر انتخاب و منفعت است. در اینجا، قانون به مقام اداری اجازه می دهد که از میان گزینه های متعدد قانونی با توجه به معیارهای غیرحقوقی، گزینه ای را انتخاب کند. هدف از پژوهش حاضر، صلاحیت گزینشی ماموران اداری و انتظامی در مدیریت آزادی های گروهی (تجمعات و راهپیمایی ها) است.

در علم حقوق، صلاحیت، اصلی مهم و بنیادین است؛ اما این اصل در حقوق عمومی ایران مغفول مانده است. صلاحیت را تعیین کننده حوزه ی اقدام و فعالیت اداره دانسته اند؛ به عبارت دیگر، صلاحیت اختیار قانونی یک مأمور رسمی برای انجام پاره ای از امور، مانند صلاحیت دادگاه ها و صلاحیت مأمور دولت در تنظیم سند رسمی است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵، ۲۳۸) اصولاً موضوع صلاحیت در علم حقوق در واقع بحث تقسیم کار و تبیین وظیفه است (علی آبادی، ۱۳۸۳، ۵).

برخی معادل اختیار را مناسب صلاحیت ندانسته و معتقدند این معادل به ویژه در امر صلاحیت گزینشی، معادلی رسا نمی باشد؛ ضمن آنکه واژه ی حق نیز معادل مناسبی برای صلاحیت نیست؛ زیرا در صورتی که صلاحیت حق تلقی شود، با پارادوکس مواجه خواهیم شد (زارعی، ۱۳۹۰، ۱۵) این عده از نویسندگان صلاحیت را اقتدار میدانند؛ قدرت دولتی و عمومی که بر منشأ قانونی و مبنای حقوقی مبتنی است؛ به عبارتی صلاحیت، توانایی حقوقی است که مقام عمومی به واسطه ی آن به انجام وظیفه می پردازد (زارعی، ۱۳۹۰، ۱۶) از منظر ایشان صلاحیت بر دو قسم است: صلاحیت تکلیفی و اختیاری؛ در قسم نخست، اداره یا مقام عمومی در صورت اجتماع شرایط مکلف به اتخاذ تصمیم مطابق متن دیکته شده است؛ آنگونه که مقام عمومی و اداری حق انتخاب میان چند گزینه را از دست می دهد. صلاحیت گزینشی در توصیه نامه ی ماری کمیته ی وزیران اتحادیه ی اروپا در خصوص اعمال صلاحیت های گزینشی توسط مقامات اداری اینگونه تعریف شده است: «صلاحیت اختیاری به عنوان اختیاری است که به مقام اداری درجه ای از آزادی عمل را برای تصمیم گیری واگذار می کند و مقام اداری را مجاز میسازد که میان تصمیمات متعدد مجاز و قانونی تصمیمی را که از نظر او مناسبتر است، اتخاذ نماید (هداوند و دیگران، ۱۳۸۹، ۱۱۳) به موجب این تعریف، صلاحیت گزینشی معمولاً متضمن دو مفهوم مشترک است: انتخاب و منفعت عمومی. صاحب نظران بر این امر اتفاق نظر دارند که صلاحیت گزینشی به این معنی است که قانون به مقام اداری اجازه میدهد که از میان گزینه های متعدد قانونی، با توجه به معیارهای غیرحقوقی، انتخاب نماید.

این انتخاب متضمن برقراری توازن میان منافع عمومی و خصوصی با استفاده از ارزش های فراحقوقی در جهت تعیین یک منفعت عام است که به وسیله ی قوانین موضوعه تعیین نشده است (مشهدی، ۱۳۸۹، ۶۷) مثال، شهرداری به موجب قانون مخیر است تا در خصوص تقاضای شهروند مبنی بر اعطای مجوز ساخت و ساز، پس از انطباق با قواعد و نظامات قانونی، این مجوز را صادر یا قرار رد آن را صادر نماید.

به عبارت دیگر در صلاحیت گزینشی، مقام اداری حق تفسیر و ارزیابی دارد؛ از این رو، صلاحیت اختیاری به صلاحیت گزینشی نیز تعبیر شده است (هداوند و دیگران، ۱۳۸۹، ۱۱۴) تکلیفی و گزینشی با توجه به معیارهای ارزیابی، تفسیر و انتخاب از یکدیگر قابل تفکیک اند. در صلاحیت گزینشی مقام عمومی امکان ارزیابی دارد، اما در صلاحیت تکلیفی فرصت و امکان ارزیابی سلب شده است. معیار دوم، معیار «هدف» و «جهت» و «انگیزه» در انجام اقدامات اداری است. در صلاحیت تکلیفی معمولاً قانون مقرر نموده

است که مقام اداری حق اتخاذ تصمیم برای اهداف و انگیزه های متغیر و متفاوت را نداشته و یا حق ارزیابی آن را در شرایط و اوضاع و احوال متفاوت از دست می‌دهد؛ مگر آنچه را قانونگذار اجازه داده باشد.

به قول دولابادور مقام اداری متعهد به اقدام و اتخاذ تصمیم در معنا، مفهوم و هدف قانون است (هداوند و دیگران، ۱۳۸۹، ۴۷) معیار سوم که دارای اهمیت است، معیارهای ناشی از «کنترل قضایی قانونی بودن اعمال اداری» است. در صلاحیت های گزینشی امکان کنترل قضایی عمل اداری از لحاظ قانونی بودن ضعیف می‌باشد، اما کنترل قضایی در این زمینه برای قاضی اهمیت بسیار دارد. برعکس، در صلاحیت های تکلیفی به دلیل مشخص بودن حدود و صلاحیت ها، کنترل قضایی «حداقلی» است؛ در اینجا امکان ابطال عمل در صورت تجاوز از حدود صلاحیت یا غیرقانونی بودن اقدام، متصور است؛ چرا که اساساً فرض بر این است که در صلاحیت های تکلیفی قانونگذار شرایط و ضوابط عمل اداری را به مرجع عمومی دیکته نموده است. برعکس، در کنترل قضایی صلاحیت های گزینشی، با اعمال کنترل «حداکثری» به تناسب و عقلایی بودن تصمیم قاضی نیز توجه میشود پرسش این است که با وجود اصل حاکمیت قانون و ضرورت تعیین صلاحیت های مقام عمومی، چرا صلاحیت های گزینشی وجود دارد؟ امروزه هیچ دولتی وجود ندارد که میزانی از صلاحیت گزینشی را نداشته باشد؛ برخی این میزان از صلاحیت را ضرورت حکمرانی دانسته اند (زارعی، ۱۳۹۰، ۲۲) از قرن هیجدهم میلادی به بعد چنین صلاحیتی صرفاً بر وجود ادلهای مبتنی نمی باشد، بلکه محصول واقعیاتی است و آن حل و فصل مسائل توسط دولت است؛ به عبارت دیگر، جنگهای جهانی و بحران مالی و بیکاری به دخالت بیشتر دولت و در نتیجه، قدرت دولت منجر شده است؛ لذا در جهت انجام وظایف، صلاحیت های اختیاری گسترش یافته است.

بر این اساس صلاحیت اختیاری در دورههایی محصول ضرورتی اجتماعی و برای رفع مشکلات است. از دلایل دیگر گسترش و وجود صلاحیت اختیاری، دولت های رفاهی است که به ضرورت دخالت بیشتر برای تنظیم امور به ویژه در بازار و اقتصاد معتقدند. خیر عمومی در رفاه همگانی، توجیهی برای دخالت دولت در بخش خصوصی است؛ امری که به گسترش صلاحیت های گزینشی دولت منجر می شود. از طرف دیگر، پوزیتیویسم حقوقی و فرمالیزم حقوقی قادر به پاسخ گویی به تمام مسائل نبودند؛ قواعد و قوانین قابلیت پیشبینی تمامی امور را ندارند؛ چرا که همیشه اموری وجود دارند که با خلاء قانونی مواجه هستند. لذا، از صلاحیت اختیاری باید در جهت فردی سازی عدالت استفاده شود (زارعی، ۱۳۹۰، ۲۳).

این امر در فرآیندهای قضایی و همچنین اداری ملاحظه می شود؛ از این رو، نظام حکومتی و قانونی در تاریخ جهان به طور توأمان شامل قوانین و اختیارات است. هیچ گاه یک دولت، تنها دولت قوانین و یا منحصراً دولت اشخاص، به معنی برخورداری از تمام صلاحیت های گزینشی نبوده است. تمامی دولت ها عموماً دولت استوار بر قوانین و اشخاص بوده اند (زارعی؛ محمودی، ۱۳۹۰، ۴۰) نگاهی گذرا به عبارت ارسطو به عنوان نخستین فردی که عبارت «دولت قانون ها و نه اشخاص» را به کار برد، به روشنی نشان می دهد که مقصود امکان وجود دولت در غیاب صلاحیت گزینشی نبوده است. حذف تمام صلاحیت های گزینشی، نه امکانپذیر بوده و نه مطلوب است. هدف معقول، ایجاد تعادل مناسب میان قواعد و اختیارات

است. در برخی شرایط، تأمین این هدف نیازمند اجرای قاعده است. در شرایط دیگر، اختیار ایجاب می‌کند و گاهی نیز نیازمند ترکیبی از آن دو است.

توانائی سازمان دادن و سازمان یافتن یکی از روش‌هایی است که به وسیله آن شهروندان می‌توانند در حیات اجتماعی خود دخالت کرده اهداف جمعی خود را تحقق بخشیده و در این راه حکومت و مسئولین خود را تحت تأثیر قرار دارد. اولین موضوعی که در رابطه با آزادی اجتماعات باید به آن بپردازیم، تعریفی جامع و مانع از آزادی اجتماعات است

حق جمع شدن افراد بدون ترس از مداخله و تهدید دولت را آزادی اجتماعات گویند که در ارتباط تفکیک ناپذیری با آزادی سخن، مذهب و اعتراض علیه دولت است. در اولین اصلاحیه قانون اساسی آمریکا، آزادی اجتماعات در کنار آزادی مذهب. (هگی، ۱۳۸۹، ص ۶۰).

در حقوق ایران در خصوص تبیین آزادی اجتماعات در نظام حقوقی ایران به آن پرداخته نشده است و این حکایت به خلاء شدید قانونی منجر می‌شود با توجه به تصمیماتی که عنوان شد و تمامی ابعادی که برای جامعه و سنن تعریف می‌شود در خصوص آزادی اجتماعات به نظر میرسد تعریف زیر از تمام تعریف مناسب تر باشند آزادی اجتماعات یعنی اینکه افراد آزاد هستند آگاهانه، عامدانه و به صورت مسالمت آمیز در کنار یکدیگر به طور موقت و بدون هراس از مداخله دولت برای رسیدن به اهداف خاصی در زمینه‌های مختلف گردهم آیند و به بیان خواسته‌های خود از این طریق بپردازند.

از وصف آگاهانه و عامدانه بودن اجتماعات، مولفه سازمان یافته بودن اجتماعات و از موقت بودن و هدف خاص داشتن، غیر دائمی بودن و هدفمند بودن اجتماعات دریافت می‌شود شیوه‌های رسیدن به هدف خاص در اجتماعات ممکن است به صورت یکی از مصادیق زیر می‌باشد.

۱. رایزنی و هماهنگی برای رسیدن به عقیده مشترک ۲. دفاع از منافع مشترک ۳. اعلام و بیان عقاید مشترک ۴. اعتراضات موضوع دیگر این است که آیا بیگانگان در قلمرو کشور دیگر می‌توانند از مزایای آزادی اجتماعات استفاده کنند؟ بی‌گمان پاسخ مثبت خواهد بود. چه اینکه آزادی اجتماعات از جمله آزادی‌هایی است که تنها منحصر به شهروندان یک کشور نیست، بلکه هر فردی که داخل در قلمرو کشوری باشد که آن کشور عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی با اسنادی با مفاد مشابه باشد، با رعایت مقررات قانونی آن سرزمین، می‌تواند از مزایای این آزادی استفاده کند. از سوی دیگر ماده ۲ میثاق که به اصل عدم بهره‌مندی از تمام حقوق و آزادی‌های مصرح در مواد میثاق اشاره دارد، در بند یک منشور ملی را مبنائی برای عدم تسری مواد مندرج در میثاق، در خصوص این بیگانگان نمی‌داند. از این رو در تفسیر عمومی شماره ۱۵ کمیته حقوق بشر با تأکید مضاعف تصریح می‌کند: بیگانگان از مزایای آزادی اجتماعات و تشکیلات بهره‌مند خواهند شد. بنابراین اتباع بیگانه در قلمرو هر کشور عضو میثاق می‌توانند در جهت حفظ منافع و حقوق خود از آزادی اجتماعات بهره‌مند شوند و از ظرفیت‌های آن استفاده کنند. در این راستا کنوانسیون

۱. Hagi

۲. Human Rights Cominittee. General Comment ۱۵, HRI/GEN/۱/Rev. ۹ (Vol. I), P

حمایت از کارگران مهاجر و خانواده هایشان که کنوانسیون خاصی است، در ماده ۱۴ به بهره مندی کارگران از این حق بشری پرداخته است.

۳- روش تحقیق :

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ گردآوری اطلاعات، روش اسنادی و از طریق مطالعه مراجع و منابع معتبر انجام شده و اطلاعات به دست آمده به صورت توصیفی- تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۴- یافته ها :

۴-۱- مامور انتظامی و انواع پلیس در آزادی اجتماعات

منظور از پلیس، نهاد و مرجعی است که در بحث آزادی اجتماعات به تناوب دارای اختیاراتی برای اتخاذ تصمیمات اداری و اجرای عملیات انتظامی است که این اختیارات را براساس قوانین داخلی خود کسب می کند. اسناد بین - المللی حقوق بشر به ویژه میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز در تدوین قوانین داخلی و همچنین نظارت بر عملکرد کشورها بر نیروهای پلیس به مانند یک استاندارد جهانی است که باید رعایت شود. براساس رویه اکثریت کشورها، این اداره پلیس است که بیشتر در بحث آزادی اجتماعات تصمیم گیرنده است. بنابراین، در بحث آزادی اجتماعات پلیس نهاد و سازمانی است که گاه با تصمیمات مقامات ارشد اداری خود و یا با اقدامات نیروهای انتظامی اش دخیل است.

مامور انتظامی به مجموعه ای از افراد سازمان یافته مشغول انجام وظیفه بوده و وظیفه حفظ نظم شناسایی و دستگیری متهمان و در نهایت اجرای قوانین و مقررات را بر عهده دارد از سوی دیگر پلیس به مجموعه ای از سیاست ها مقامات صلاحیتدار برای تحقق اهدافی چون حفظ نظم و امنیت عمومی، پیشگیری از جرم، کشف جرم، دستگیری متهمان و در نهایت اجرای قوانین و مقررات، تعریف می شود در این معنا پلیس به سیاست ها و قواعدی اشاره دارد که از سوی قانونگذاران برای تحقق اهدافی چون حفظ نظم، امنیت و آرامش در آزادی اجتماعات تعریف می شود و کشور و از این رو مقاماتی را که در این عرصه عهده دار اهداف مذکور هستید می توانند از بالاترین سطح حکومت تا پائین ترین کارمند اداری تقسیم بندی می شود (کشفی، ۱۳۷۷، ۴).

منظور پلیس عملیاتی تامین اسایش و امنیت و سلامت عمومی آزادی اجتماعات از طریق عمومی یا فردی و به و سیله بعضی اقدامات مناسب است. در این تعریف پلیس، مقامات اداری هستند که وظیفه این تامین نظم را دارا هستند (انصاری، ۱۳۸۰، ۴۲).

بنابر تعاریف فوق پلیس در معنای اصطلاحی دارای دو معنای اصلی است ۱- معنایی که ناظر به قواعد و مقررات است ۲- معنایی که ناظر بر سازمانی خاص است.

تقسیم بندی دیگری که در اقسام پلیس وجود دارد، پلیس اداری و پلیس قضایی است این تقسیم بندی از آن جهت دارای اهمیت است که در رویکردهای حقوق بشری وظایف و اختیارات پلیس مورد تحلیل قرار می‌گیرد. نقش و وظیفه اصلی پلیس رعایت و اجرای قانون است که این امر گاهی توسط پلیس اداری و گاهی توسط پلیس قضائی صورت می‌گیرد (استفانی، ۱۳۷۷، ۴۲۹-۴۳۰) پلیس اداری خود در دو مفهوم وسیع و محدود استعمال می‌شود. معمای وسیع آن هر نوع نظارت و مداخله ای است که دولت برای حفظ نظم عمومی و فعالیت در جامعه به عمل می‌آورد و طریقه دخالت و نظارت در حفظ تعلم، وضع این نامه ها و مقرات و اجرای آن هاست. در این صورت کلیه مقامات دولتی از عالی ترین مقام تا یک کار مند ساده اقدامات پلیسی را انجام می دهند (محمدی، ۱۳۸۹، ۲۱) مفهوم محدود پلیس اداری، اقداماتی است که به منظور جلوگیری از وقوع جرایم، بی نظمی و اغتشاشات به عمل می آید (زرگوش، ۱۳۹۲).

۴-۲- صلاحیت‌گزینی اقدامات انتظامی در آزادی اجتماعات

رسالتی که پلیس و نیروهای انتظامی در بحث آزادی اجتماعات دارند. حمایت از آزادی اجتماعات است. بنابراین پلیس نباید با تصمیمات اداری و یا اقدامات انتظامی باعث محدودیت بیش از حد و از بین رفتن این آزادی و یا به خشونت کشیده شدن مسالمت آمیزی گردد، چه اینکه پلیس و نیروهای انتظامی ممکن است با تصمیمات ابتدا باعث غیرمسالمت آمیز شدن اجتماعی گردند آزادی اجتماعات به دلیل بروز و ظهور آن اصطکاک شدیدی با بدنه جامعه، نظم عمومی، نظم ترافیکی و آزادی رفت و شهروندان داشته و به نیرویی نیاز دارد که بتواند این امور را تنظیم کند و اساسا اسناد بین المللی اعم از اسناد حقوق بشری چون اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و سایر اسناد بین المللی، در خصوص این آزادی، اختیار بیشتری جهت اتخاذ تصمیمات، بکارگیری اقدامات و کنترل ناآرامی های احتمالی به نیروهای پلیس و گاه به سایر مقامات اداری داده اند؛ هرچند که این اختیار و صلاحیت نباید به تحدید، نقض و یا به خشونت کشیده شدن این آزادی منجر شود. به عبارت دیگر، ممکن است نقش کلیدی پلیس و نیروهای انتظامی که تأمین امنیت برای اجتماع کنندگان و تنظیم سایر امور است، تغییر ماهیت و کارکرد داده و با فراموش کردن کار ویژه خود و با استناد به وظیفه سنتی خود در حفظ نظم عمومی، تبدیل به نیرو و ابزاری برای سرکوب اجتماعات و اجتماع کنندگان و تهدیدی علیه آنها شود که این امر نهایت باعث میشود که حتی یک اجتماع مسالمت آمیز نیز، با توجه به این اقدامات و در جهت دفاع از حقوق خود، دست به اعمال غیر مسالمت آمیز بزند. این امر حکایت از تغییر نگرش تدریجی پلیس و سایر مقامات از تفکر حمایتی به تفکر محدودیت گرا در بحث آزادی اجتماعات دارد. از این رو، اقدامات این نیروها می تواند باعث خشم و نارضایتی اجتماع کنندگان شده و آنها شروع به بی نظمی کنند .

همه اقدامات انجام شده نظم و قانون، باید مطابق قواعد حقوق بشر باشد. و صلاحیت‌گزینی خاصی را به کار نبرند استقرار نظم و قانون، باید تبعیض آمیز انجام نگیرد. هر محدودیتی بر حقوق افراد، باید منحصر به مواردی باشد و تعیین گردد. هر عملی که انجام می‌شود و هر محدودیتی که بر حقوق افراد اعمال می‌گردد، فقط باید با هدف برقراری نظم، حفظ و حراست از آزادی، الزامات اخلاقی، برقراری نظم

عمومی یا فراهم آوردن رفاه اجتماعی باشد. هر عملی که انجام می شود و هر محدودیتی که بر حقوق افراد اعمال گردد، باید با الزامات جامعه دموکراتیک سازگار باشد. در توسل به زور باید نهایت ورود به کار گرفته شود تا جراحات و آسیب ها به حداقل برسد. همواره ابزار و ادوات متنوعی برای مراتب مختلف توسل به زور در دسترس باشد. نباید هیچ گونه محدودیت غیر ضروری بر حق آزادی بیان، آزادی راه اندازی اجتماعات و ایجاد تشکل ها اعمال شود. در جهت راهبردهای مبتنی بر پلیس جامعه محور عمل شود و درگیری های اجتماعی میان گروه های مختلف جامعه و درگیری های میان مسئولان و گروه های اجتماعی مورد توجه قرار داده شود. از تمهیدات انجام شده برای برگزاری راهپیمایی و تجمعات غیرقانونی اطلاع حاصل شود. فرماندهان بایستی به مأموران پلیس دستور دهند که از تجمعات غیر ضروری خود داری کنند اما سلاح استفاده نکنند (آخوندی، ۱۳۷۷، ۳۸).

۳-۴- آزادی اجتماعات و صلاحیت های گزینشی پلیس

اعتراض و مقاومت از جمله مقوله هائی است که در هر برحه ای از تاریخ می توان اثرات و نشانه های آن را مشاهده کرد. اصولاً جامعه ای پویاست که در آن مردم نسبت به کنش های سیاسی اجتماعی از خود واکنش نشان داده و هرگاه حقوق اولیه آنها نقض گردد و یا سایر کج روی ها را ببینند به آن اعتراض کرده و از خود مقاومت نشان دهند. شناسایی حق اعتراض از سنجه هایی است که می توان توسط آن مردم سالار بودن با اقتدار گرا بودن حکومت ها را سنجید (نوبهار، پیشین، ۲۱۹) از سوی دیگر اعتراض می تواند در جلوه های مختلف نمود پیدا کرده و تبدیل به مقاومت شود. در اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه، مقاومت را ناشی از حقوق انسانی مردم می داند. مقاومت دارای سلسله مراتبی است که به مقاومت منفی و مثبت تقسیم می شود. مقاومت منفی که جلوه ای از اعتراض مردم به امری است که از آن ناراضی هستند و مردم با عدم رعایت قوانین و تعهدات خود در برابر قوای حاکم در صدد رساندن پیام اعتراضی خود از طریق مسالمت آمیز و آرام هستند. بیشتر این امر در مواقعی صورت می گیرد که فضای باز سیاسی وجود ندارد و دیگر جلوه های اعتراض دارای هزینه های سنگینی است. اما مقاومت در جلوه مثبت آن به دو دسته مقاومت مثبت اعتراضی و تعرضی تقسیم می شود. در مقاومت مثبت اعتراضی افراد از طریق آزادی اجتماعات و تشکیلات و سایر ابزار های موجود و البته مسالمت آمیز در جهت به نمایش کردن و اعلام کردن آنچه که به آن اعتراض کا اعتراض های افراد توسط حکومت دست به شورش و قیام می زنند که این خشونت و آشوب در آن دیده می شود؛ هرگاه دولت حقوق مردم برای ملت، مقدس ترین و ضروری ترین وظایف خواهد بود.

۴-۴- مداخله نکردن مأموران پلیس در اجتماعات مسالمت آمیز

به لحاظ لغوی مسالمت آمیز بودن یعنی در اشتهی و صلح بودن و خوش رفتاری ترین و به عبارت کامل تر رفتاری که با صلح، سازش و شورش رفتاری توأمان با صلح آمیز شرم تقریباً همین معنا را دارد (معین، ۱۳۸۶، ۱۳۸).

اما صلح در مفهوم مثبت آن علاوه بر نبود جنگ و عدم تهدید به جنگ و خشونت یافتن دلایل تنش و درگیری‌ها و جلوگیری از این عوامل و حصول اطمینان از این وضعیت و نیز تلاش در جنت پایدار ساختن صلح و گسترش فرهنگ تسامح، تساهل بردباری در بین جامعه و افراد آن است. در اینجا دیگر بحثی از امنیت دولتی معلم نیست و امنیت فردی و انسانی مطرح است که در ارتباط تنگاتنگ با قواعد حقوق بشر است. بنابر این آنچه که از مفهوم صلح آمیز در اسناد حقوق بشری در کنار فعالیت‌های آزادی‌های فردی مطرح می‌شود، بیشتر ناظر به جنبه مثبت از صلح است که در آن شهروندان در کنار یکدیگر در انجام فعالیت‌های خود، جنبه تسامح، تساهل و بردباری را رعایت کنند و با یکدیگر هم زیستی مسالمت آمیز داشته باشند.

از این رو آزادی اجتماعات هم که می‌تواند حساسیت‌هایی را در جامعه ایجاد کند و در برخی اوقات به صحنه خشونت بین گروه‌ها منجر شود، در اسناد بین‌المللی حقوق بشر با قید مسالمت آمیز بودن مورد شناسایی قرار می‌گیرد. بنابراین اجتماع کنندگان علاوه بر اینکه نباید آزادی خود را با اضرار به دیگران اعمال کنند، بایستی منادی دهنده فرهنگ همزیستی مسالمت آمیز در یک جامعه با وجود گرایش‌های مختلف باشند و به این روند کمک کنند. بی‌شک این امر مطلوب تدوین کنندگان اسناد بین‌المللی است (بهروزی خواه، ۱۳۹۳، ۱۱۹-۱۷۵).

۴-۵- نیروهای صلاحیت دار برای کنترل اجتماعات و چگونگی استفاده از صلاحیت‌گزینی

اولین نیرویی که به ذهن متبادر می‌شود نیروی پلیس یا همان نیروی انتظامی است با بررسی دقیق‌تر متوجه می‌شویم که مراجعه به اسناد بین‌المللی و نظام حقوق داخلی اولین نیرو هستند. در خصوص این موضوع که پلیس در مواجهه و برخورد با ازدحامات اعتراض آمیز باید چگونه عمل کند مبتنی بر دیدگاه اخلاقی ماموران که برگرفته از دیدگاه آرمان برتر و یا دیدگاه روش‌های عادلانه است تفاوت نظر وجود دارد. در دیدگاه آرمان برتر که از نتیجه‌گرایی نشات می‌گیرد تفکر افراد درباره ارزشها در واقع بر اساس آرمان‌هایی است که دنبال می‌کنند. تعهد به آرمان برتر سبب می‌شود که پذیرفته شود برخی از اهداف، آن قدر مهم هستند که هر راهی برای رسیدن به آن مجاز است (کلارک و کلاردو، ۲۰۱۱) به عبارت دیگر هدف وسیله را توجیه می‌کند. اگر پلیس باور داشته باشد که کار آنها، هدفی بر حق و عادلانه است؛ بنابراین مقرراتی که مانع کار آنها می‌شود را غیراخلاقی تلقی خواهند کرد و ماموران ممکن است قوانین سازمان را دور بزنند تا کاری که به درستی آن باور دارند را انجام دهند.

پس از مشخص شدن نیروی صلاحیت دار جهت کنترل اجتماعات، باید این نیروها با حالات متفاوتی که ممکن است برای یک تجمع و راهپیمایی صورت گیرد بررسی شود. به طور کلی پلیس ممکن است با سه وضعیت مواجه شود که باید آن را کنترل کرده و وضع را به حالت سابق بازگرداند:

الف: اجتماعات بدون مجوز (غیر قانونی)؛

ب: اجتماعات خشن غیر مسلح؛

ج: اجتماعات مسلحانه در تمام وضعیت های فوق، نیروهای انتظامی برای برخورد و کنترل چنین تجمعات و راهپیمایی هایی، باید مجموعه ای از الزامات و استانداردها را رعایت کنند صلاحیت گزینشی ماموران باید تحت الزامات و استانداردهای منطقه ای که اغتشاشات صورت گرفته باشد .

بند دوم: متوسل شدن به زور جهت کنترل اجتماعات توسط پلیس و صلاحیت گزینشی بین المللی و قانونی

مهم ترین اصول در کنترل اجتماعات و بکارگیری زور علیه تجمع کنندگان و نا آرام، رعایت اصول ضرورت و تناسب است و نباید خود سرانه از صلاحیت های گزینشی استفاده شود در واقع اسناد بین المللی بکار برده صلاحیت گزینشی را تابع اصول و الزامات قرار داده است .

در اسناد بین المللی نظیر نظامنامه، رفتار نیروهای انتظامی و اصول اساس زور و سلاح های گرم توسط مأمورین نیروهای انتظامی، به صراحت تناسب دیده می شود. در ماده ۳ نظامنامه، مأمورین نیروی انتظامی را تنها به استفاده از زور دانسته که اولاً ضروری باشد و ثانیاً تاحدی باشد که وظایف شان ضروری باشد. امری که مجدداً در اصول استفاده از زور نیز دیده شده است. در تفاسیری که از این ماده شده است نیز، اصل ضرورت، استفاده امری کاملاً استثنائی است و از سوی دیگر، اصل تناسب، توسل به زور را برای پلیس محدود می کند. بنابراین منظور از اصل ضرورت در بکارگیری زور نیروهای صلاحیت دار باید توسل به زور را امری کاملاً استثنائی تلقی کنند و به خاطر حاصل نشدن نتیجه از سایر اقدامات غیر خشن به کار گیرند

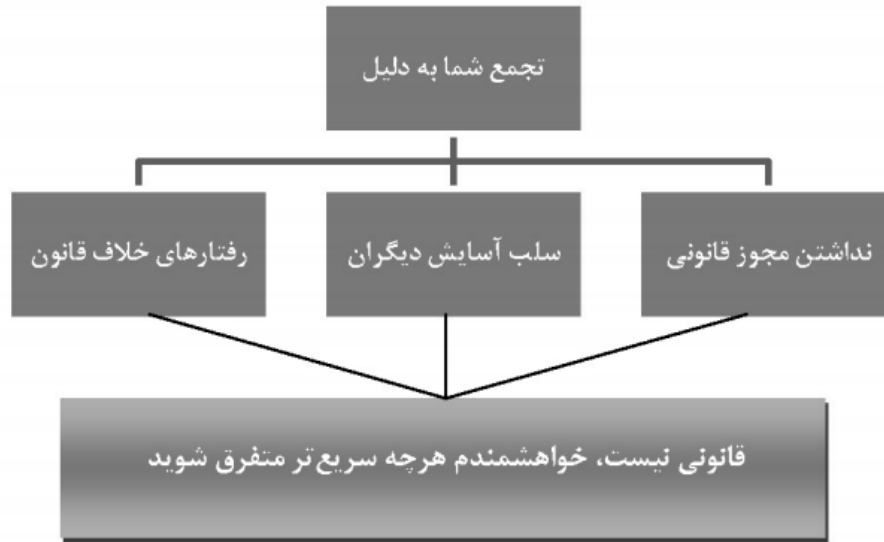
همچنین در این خصوص تقسیم بندی های دیگری نیز وجود دارد. البته این اصول نیز برگرفته از اصول ضرورت و تناسب هستند. به عنوان مثال، پروفیسور دوبار در موضوع حفظ نظم داخلی به دو اصل بنیادین استعمال تدریجی زور و سلسله مراتب و ضرورت اشاره می کند و با تکیه بر این اصول بر مبنای حقوقی فرانسه، به توصیف و چگونگی کنترل تجمعات ناآرام، ورود نیروهای صلاحیت دار، استفاده از ابزار تجمع کنندگان، می پردازد (بابائی، پیشین، ۹۶).

در حالی که نیروهای انتظامی در صورت ضرورت مداخله خواهند کرد. جهت حضور نیروهای انتظامی تنها دستور مقامات ذی صلاح کفایت می کند، اما نیروهای نظامی بسته به آن که زیر نظر کدام وزارتخانه باشند، باید از وزارتخانه مربوطه تقاضای کمک کرد. این امر به وضوح در قوانین داخلی نیز دیده میشود و جزء صلاحیت قانونی است به عنوان مثال، در جمهوری اسلامی ایران، مسئول اصلی برقراری نظم و امنیت نیروی انتظامی است که در هنگام تجمعات و راهپیمایی ها نیز مسئولیت اصلی حفظ نظم و امنیت را به عهده دارد و در صورت ناآرام شدن آن، موظف به اعاده وضع به حالت سابق و آرام کردن تجمع ناآرام نیز خواهد بود. حال این نیروها می تواند در صورت لزوم در هماهنگی با سپاه پاسداران از نیروهای بسیج استفاده کنند. البته، براساس ماده ۹ آئین نامه چگونگی تأمین امنیت اجتماعات و راهپیمایی های قانونی، ابتدا ورود هر نیرویی جهت برقراری نظم و امنیت منع شده است و در صورت ضرورت بنا به تشخیص شورای تأمین و یا تقاضای مقامات انتظامی از نیروهای بسیج خواسته می شود تا در امور مربوط به برقراری

نظم و امنیت نقشی را بر عهده بگیرند که این امر نیز زیر نظر مأمورین انتظامی و با دستورات آنان صورت خواهد گرفت و آنها مکلف به تبعیت از دستورات مقامات انتظامی هستند.

سازمان های انتظامی باید از طریق آموزش های عمومی، شهروندان را با ماهیت غیر کشندگی این نوع سلاح ها آشنا کنند تا در صورت رویارویی با آنها قادر به نشان دادن عکس العمل صحیح در قبال آنها باشند. برای مثال، عدم آگاهی افرادی که دچار آسم بوده یا از مشکلات تنفسی رنج می برند، از قدرت و خاصیت کشندگی گازهای اشک آور و دودزا می تواند سلامتی این قبیل افراد را تهدید کند؛ از همین رو مناسب است آگاهی های لازم در این خصوص جهت کاهش تلفات تصادفی ناشی از به کارگیری تسلیحات غیر کشنده به شهروندان داده شود. به علاوه، همواره باید تیمهای پزشکی و امکانات درمانی مناسب برای کمک رسانی سریع به آسیب دیدگان در صحنه عملیات آماده باشند. علاوه بر این استفاده از تسلیحات غیر کشنده نیازمند شفاف سازی جو رسانه ای حاکم بر عملیات یگان ویژه است؛ زیرا در بسیاری از موارد عدم آگاهی رسانه ها از ماهیت و کاربرد این نوع سلاحها باعث شده چهره نادرستی از آن را به افکار عمومی انتقال دهند. کارکنان رسانه ها و به ویژه عکاسان و خبرنگاران نیز همواره در معرض آسیب های جدی ناشی از این نوع سلاح ها بوده اند. در زمان استفاده از تسلیحات غیر کشنده، نوع و میزان سلاح مورد استفاده باید بر اساس شرایط محیط عملیاتی و نیز آب و هوا انتخاب شود (حقیقی، ۱۳۸۸، ۲۳۴).

یگان ویژه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در اجرای ماده چهار از اصول اساسی به کارگیری سلاح و در جهت کنترل اغتشاشات و متفرق نمودن آنان اقدام به قرائت اعلامیه می نماید. در این اعلامیه که توسط فرماندهی واحد کنترل اغتشاشات قرائت می شود به مواردی از قبیل مأموریت یگان مذکور در خصوص متفرق نمودن جمعیت، ضرورت رعایت نظم و قانون توسط جمعیت تظاهرکننده اشاره می گردد. این درخواست و اعلامیه می تواند تأثیر به سزایی در مخاطبان داشته باشد و دامنه این اثرات از تسلیم تا تشدید بحران امتداد می یابد. این درخواست می تواند در قالب طرح ارائه گردد: الف. قالب مبتنی بر ادله ب- قالب مبتنی بر اطلاع رسانی ج- قالب مبتنی بر لحن و موضوع آمرانه مأمور انتظامی حق ندارد به خاطر این که می تواند از صلاحیت گزینشی استفاده کند بدون قرائت اعلامیه به افراد حمله ور شود.



به منظور صلاحیت‌گزینی یگان ویژه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در راستای عمل به ماده ۱۳ از اصول مذکور که استفاده از زور را در حداقل میزان لازم مورد توجه قرار داده است، اقدام به تهیه خط مشی و تدابیر کلی در کنترل اغتشاشات نموده و اولین عنوان از تدابیر ۱۷ گانه مذکور را به استفاده از حداقل نیرو و تجهیزات اختصاص داده است. ضمناً تعداد نیروهای درگیر در عملیات را متناسب با وضعیت و تعداد اغتشاش‌شگران دانسته و استفاده از سلاح را تا زمانی که مجبور باشند توصیه نکرده است و اوج هنر یگان ضد شورش و اغتشاش را استفاده از حداقل نیرو در برقراری نظم و امنیت میدانند (مدیریت بحران، ۱۳۸۶، ۵۵). در خصوص استفاده از روش‌های کم‌خطرتر در پراکندن جمعیت‌ها و اغتشاشات که موردنظر و تأکید ماده ۱۴ مذکور است، باید به این نکته اشاره نمود که تجهیزات یگان‌های ویژه پاسداران ناجا بعد از مطالعه و تحقیق در مورد تجهیزات کم‌خطر و تخصصی پلیس‌های ضد اغتشاش در کشورهای مختلف، تهیه شده و هم‌اکنون تجهیزاتی از قبیل خودروهای آب‌پاش، گلوله‌های دودزا، اشک‌آور، فشن‌گهای پلاستیکی، باتوم، تونفا و ... استفاده می‌شود. در خصوص استفاده از کمترین تلفات و آسیب در مهار اغتشاش‌شگران توسط نیروهای ضد شورش: یگان ویژه ناجا برای انجام مأموریت‌های محوله و در راستای اسناد و قوانین بین‌المللی دارای سلاح‌ها، ادوات و ماشین‌های کارآمدی است که به آخرین امکانات و تجهیزات روز دنیا و متناسب با مأموریت‌ها مجهز شده است.

همچنین در خصوص حفظ جان اغتشاش‌کنندگان: لازم به ذکر است، پس از به کار بستن تدابیر مختلف و عدم موفقیت در کنترل اغتشاش‌نیروهای ضد اغتشاش به عنوان آخرین چاره کار وارد صحنه می‌شوند.

تهیه و تدوین آیین‌نامه به کارگیری باتون ضد شورش یکی دیگر از اقدامات یگان ویژه ناجا در این خصوص است که در آن به مواردی از قبیل نحوه استفاده از باتون، نقاط حساس و حیاتی بدن و ... اشاره شده است.

شکل‌گیری آشوب در دو حالت ممکن است.

الف. وضعیت سفید (عادی): در این وضعیت هیچ‌گونه رویداد و قرائنی دال بر برهم زدن نظم عمومی و امنیت داخلی وجود ندارد و فعالیتی علیه نظام و انقلاب به صورت آشکار صورت نگرفته؛ بنابراین یگان ویژه ناجا فعالیت‌های جاری خود را دنبال می‌کند و نباید باعث تشنج شوند.

ب. وضعیت خاکستری (غیرعادی): در این وضعیت، نیروهای مخالف یا عناصر شرور ممکن است به عملیات خصمانه دست زده یا اقدامات ضد امنیتی هماهنگ نشده‌ای را آغاز نموده باشند. در این وضعیت اقداماتی جهت برهم زدن نظم اقتصادی، اجتماعی، روانی و سیاسی جامعه توسط عناصر ضدانقلاب توسعه یافته و ادامه خواهد داشت. در این زمینه می‌توان به اعتصابات در کارخانجات و مراکز کارگری اشاره نمود (همان ۱۳۸۸: ۱۵). در این وضعیت ضمن تأکید بر استفاده از روش‌های سیاسی و تلاش برای حل مسالمت‌آمیز، اقدامات ذیل انجام می‌شود: نیروی انتظامی و رده‌های تابعه به عنوان مسئول حفظ و برقراری نظم و امنیت، بلافاصله در محل واقعه حاضر شده و ضمن کنترل اوضاع تلاش می‌نماید از گسترش و توسعه بی‌نظمی جلوگیری کند. رئیس شورای تأمین شهرستان نیز بلافاصله پس از آگاهی از وقوع بی‌نظمی یا ناامنی اقدام به تشکیل جلسه فوق‌العاده شورای تأمین می‌نماید که ضمن بررسی چگونگی واقعه و علل وقوع آن، تصمیمات لازم در زمینه پشتیبانی از نیروهای عمل‌کننده و کیفیت ایجاد هماهنگی میان آنان و به خصوص نحوه برخورد و حل مشکلات را مشخص خواهد نمود.

ج. وضعیت زرد (فوق‌العاده): در این وضعیت عملیات ضد امنیتی و محل نظم عمومی با مقیاس بزرگ و هماهنگ شده (اعم از مسطح و غیر مسطح) به صورت سازمان‌یافته توسعه می‌یابد. به عبارت دیگر در این وضعیت اقدامات عناصر تجمع‌کننده از حالت آرام خارج شده و به شکل تظاهرات و اغتشاش ظهور می‌نماید؛ بنابراین در چنین شرایطی ضمن سر دادن شعارهای مخالف و اهانت‌آمیز اقداماتی چون راهپیمایی، انسداد معابر عمومی، بستن جاده‌ها و حمله به اماکن و تأسیسات متصور است (همان ۱۶). در این هنگام شورای تأمین استان در اسرع وقت تشکیل جلسه داده و ضمن بررسی روند واقعه و اقدامات شورای تأمین شهرستان و سازمانهای مسئول منطقه‌ای، تصمیمات لازم را در زمینه نحوه ادامه کار و برخورد با عوامل بی‌نظمی اتخاذ می‌کند (اکبری و دیگران، ۱۳۸۸، ۱۴۰). در این حالت پلیس کاملاً از عملیات صلاحیت‌گزینشی با توجه به وضعیت موجود می‌نماید و در این مواقع سپاه پاسداران با به کارگیری بسیج برای کنترل اغتشاشات در صورت لزوم وارد عمل می‌شود.

د. وضعیت قرمز (بحرانی): وضعیت بحرانی یا قرمز در زمانی که عوامل مخرب، محل و دشمن به اقدام قهرآمیز متوسل شده‌اند، به نحوی که امنیت و نظم یک محدوده جغرافیایی دچار اختلال کلی شده و حاکمیت نظام در آن منطقه مخدوش گردیده است، گفته می‌شود. دامنه فعالیت‌های ضد امنیتی مخالف نظام جمهوری اسلامی گسترش یافته و منجر به عملیات ضد امنیتی سازمان‌یافته شده است (حقیقی، ۱۳۸۸، ۳۷). در این موارد که نیروی انتظامی قادر به مقابله نیست و آشوب حالت مسلحانه پیدا نموده، مسئولیت مستقیم مقابله با سپاه پاسداران خواهد بود. ضابطان دادگستری مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری جدید، مواد ۲۸ تا ۶۳ را حسب مورد جایگزین مواد ۱۵ تا ۲۵ قانون سابق آیین دادرسی کیفری و مواد ۳، ۱۲، ۱۵ و

۳۹ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب نموده است (سلیمی و بخشی زاده اهری، ۱۳۹۳، ۳۹). «ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی، به موجب قانون اقدام می‌کنند» (ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری جدید). در قانون جدید، علاوه بر تفکیک و تعیین ضابطان دادگستری به عنوان ضابطان عام و خاص، برابر تبصره ذیل ماده مزبور، کارکنان وظیفه را از شمول آن‌ها خارج کرده و طبق ماده ۳۰ آن قانون نسبت به توصیف و تدقیق مشخصات ضابطان دادگستری و تشریح وظایف قانونی آنها در مواد بعدی می‌پردازد. بر اساس این ماده «احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن، منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است». الزام مزبور به عنوان یکی از نوآوری‌ها و ابتکارات مؤثر و مناسب قانون جدید نسبت به ضابطان دادگستری محسوب شده و در جهت تضمین رعایت حقوق شهروندان و مردم و ایجاد امکان اعتبار لازم و مورد انتظار نسبت به انجام و اجرای وظایف آنها تلقی می‌شود و قانون سابق فاقد وصف مزبور بوده است (همان منبع، ۳۹).

شورش در لغت به معنای فتنه، شورش و حرکت بدون کنترل (معین، ۱۳۸۱، ۴۹) و در اصطلاح عبارت است از حرکتی که کنترل آن مشکل است و از نظر میزان شدت و حدت با بلوا هم تراز است، با این تفاوت که آشوبگران بر موضوعی ویژه توجه دارند.

همچنین طبق اصل ۲۶ قانون اساسی: احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط بر آنکه استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی ایران را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

ماده ۶ قانون احزاب می‌گوید: فعالیت گروهی، آزاد است مشروط بر اینکه مرتکب تخلفات مندرج در بندهای ماده ۱۶ این قانون نگردد. تبصره ۲۰، برگزاری راهپیمایی‌ها با اطلاع وزارت کشور بدون حمل سلاح و در صورتی که به تشخیص کمیسیون ماده ۱۰، محل مبانی اسلام نباشد و نیز تشکیل اجتماعات در میادین و پارک‌های عمومی با کسب مجوز از وزارت کشور، آزاد است (قانون احزاب و گروهها، ۱۳۷۰، ۵۹۲).

قیام مسلحانه در برابر حکومت اسلامی در ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ پیش‌بینی شده است: هر گروه یا جمعیت متشکل که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کنند، مادام که مرکزیت آن باقی است، تمام اعضاء و هواداران آن که موضع آن گروه یا جمعیت یا سازمان را می‌دانند و به نحوی در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش مؤثر دارند، محاربانند اگرچه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند. همچنین در پاره‌ای از قوانین به شرح ذیل به قیام و اقدام علیه امنیت اشاره شده است ۱- ماده ۲۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، مصوب ۱۳۸۲؛ ۲- ماده ۱۸۷ قانون مجازات اسلامی؛ ۳- مواد ۴۹۸ و ۴۹۹

قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، ۴- مواد ۱۹۳ الی ۱۹۶ قانون مجازات اسلامی مجازات محارب را یکی از چهار مورد: قتل، به دار آویختن، قطع دست راست و پای چپ و تبعید دانسته است. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و تجمعات و راهپیمایی‌ها در بند دو از ماده چهار قانون نیروی انتظامی، مقابله و مبارزه قاطع و مستمر با هرگونه خرابکاری، تروریسم، شورش و حرکت‌هایی که مخل امنیت کشور باشد و در بند سه ماده چهار همین قانون عنوان می‌کند: از وظایف این نیرو تأمین امنیت برگزاری اجتماعات، تشکل‌ها، راهپیماییها، فعالیت‌های قانونی و مجاز و ممانعت و جلوگیری از هرگونه تشکل و راهپیمایی و اجتماع غیرمجاز و مقابله با اغتشاش، بی‌نظمی و فعالیت‌های غیرقانونی است.

پس ناجا برای تحقق و اجرای این مأموریت‌ها در رده به شرح زیر راه اندازی و سازماندهی کرده است: الف. یگان امداد برای تأمین برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها در سال ۱۳۸۴ برابر تدابیر فرماندهی وقت ناجا یگان‌های امداد از تابعیت یگان‌های ویژه خارج و در تابعیت فرماندهی انتظامی استان‌ها قرار گرفتند (اکبری و دیگران، ۱۳۸۸، ۲۵). کنترل اغتشاشات با مأموران انتظامی است و تمام این مأموران باید بر حسب مقررات بخش و ناحیه عمل نمایند ولی اگر اغتشاشات بیشتر شد یگان‌های ناجا نیز دخالت می‌کنند.

صلاحیت‌گزینی مأموران انتظامی در آزادی اجتماعات باید تحت شرایط ذیل باشد.

- ماده ۳ - مأمورین انتظامی در موارد زیر حق بکارگیری سلاح را دارند:
- ۱- برای دفاع از خود در برابر کسی که با سلاح سرد یا گرم به آنان حمله نماید.
 - ۲- برای دفاع از خود در برابر یک یا چند نفر که بدون سلاح حمله می‌آورند ولی اوضاع و احوال طوری باشد که بدون بکارگیری سلاح مدافعه شخصی امکان نداشته باشد.
 - ۳- در صورتی که مأمورین مذکور مشاهده کنند که یک یا چند نفر مورد حمله واقع شده و جان آنان در خطر است.
 - ۴- برای دستگیری سارق و قاطع‌الطریق و کسی که اقدام به ترور و یا تخریب و یا انفجار نموده و در حال فرار باشد.
 - ۵- در موردی که شخص بازداشت شده یا زندانی از بازداشتگاه یا زندان و یا در حال انتقال فرار نماید، از اقدامات دیگر برای دستگیری و یا توقیف وی استفاده کرده و ثمری نبخشیده باشد.
 - تبصره - آیین‌نامه اجرایی این بند توسط وزارتخانه‌های کشور و دادگستری تهیه و پس از تصویب هیأت وزیران به اجرا گذاشته خواهد شد.
 - ۶- برای حفظ اماکن انتظامی (مقر نیروهای انتظامی از قبیل مرکز فرماندهی، ستاد، پاسگاه، پایگاه، انبار سلاح یا مهمات و مراکز آموزشی)
 - ۷- برای حفظ سلاحی که جهت انجام مأموریت در اختیار آنان می‌باشد.
 - ۸- برای حفظ اماکن طبقه‌بندی شده بویژه اماکن حیاتی و حساس در مقابل هرگونه هجوم و حمله جهت ترور، تخریب، آتش‌سوزی، غارت اسناد و اموال، گروگان‌گیری و اشغال.
 - ۹- برای جلوگیری و مقابله با اشخاصی که از مرزهای غیرمجاز قصد ورود و یا خروج را داشته و به اخطار

مأمورین مرزبانانی توجه نمی‌نمایند.

۱۰- برای حفظ تأسیسات، تجهیزات و اماکن نظامی و انتظامی و امنیتی، تبصره ۱- در موارد فوق در صورت اقتضای شرایط، اخطار قبلی الزامی است.

تبصره ۲- نیروهای انتظامی در مواردی که در چهارچوب بندهای مذکور مأموریت داشته باشند، مجاز به استفاده از سلاح می‌باشند.

تبصره ۳- نیروهای انتظامی در کلیه موارد مندرج در این قانون در صورتی مجازند از سلاح استفاده نمایند که اولاً چاره‌ای جز بکارگیری سلاح نداشته باشند، ثانیاً در صورت امکان مراتب: الف - تیراندازی - تعیین هر هوائی ب - تیراندازی کمر به پائین ج - تیراندازی کمر به بالا را رعایت نمایند.

ماده ۴- مأمورین انتظامی برای اعاده نظم و کنترل راهپیمایی‌های غیر قانونی، فرو نشاندن شورش و بلوا و ناآرامی‌هایی که بدون بکارگیری سلاح مهار آنها امکان‌پذیر نباشد، حق بکارگیری سلاح را به دستور فرمانده عملیات، در صورت تحقق شرایط زیر دارند:

الف - قبلاً از وسایل دیگری مطابق مقررات استفاده شده و مؤثر واقع نشده باشد.

ب - قبل از بکارگیری سلاح با اخلاگران و شورشیان نسبت به بکارگیری سلاح اتمام حجت شده باشد (قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری، ۱۳۷۳).

۴-۷- پرهیز از اقدامات خشونت آمیز پلیس، عدم حمل سلاح

منظور از خشونت در اینجا آن نوع خشونت است که به مثابه یک روش برای نیل به اهدافی خاص اعمال می‌شود. بزرگانی در بکارگیری منع خشونت پیش قدم بوده اند تا دوران گذار از خشونت به عدم خشونت و روشهای مسالمت آمیز طی شود. از جمله این افراد مهاتما گاندی بوده است مهاتما گاندی یکی از معدود انسان‌هایی بود که هم نظریه پرداز بود و هم در عمل آن را به کار می‌بست (مهاتما گاندی، ۱۳۷۸، ۳۱-۹۷). تئوری و تجربه وی علاوه بر بهره‌گیری از تجارب و علوم مدرن بشری، حاصل اعتقادات دینی وی بوده که از ادیان مختلف بالاخص دین هند نشات گرفته است. وی تنها طریقه دستیابی به اهداف و آرمانهای خود را نه تنها در گفتار بلکه در عمل از طریق روشهای مسالمت آمیز می‌دانست و هرگاه در مبارزه از این مشی خود فاصله می‌گرفت مبارزه را متوقف می‌نمود. در همین راستا وی یکی از بزرگترین دستاوردهای خود را به جامعه بشری اهدا کرد و آن راهپیمایی‌های مسالمت آمیز و ترویج تفکر عدم خشونت بوده است که در سال‌های مبارزه با دولت انگلستان به صورت مداوم از این ابزار خود استفاده کرده و در نهایت به هدف خود به استقلال هند از انگلستان بود، دست یافت. افراد دیگری چون مارتین لوترگینک نیز بود که در مبارزات خود از این رویه پیروی کردند، لکن هیچ‌یک چون گاندی در این برجسته نبودند. از سوی دیگر انقلاب سال ۵۷ ایران نیز که بر اساس تظاهرات، تجمعات و راهپیمایی‌های ملل ایران تحقق یافت.

یکی از قیودی است که به عنوان جزء لاینفک مفهوم مسالمت آمیز بودن در بحث آزادی اجتماعات مطرح می شود تهدید امنیت عمومی یا جان افراد و مخالف بودن با اهداف و ضروریات یک جامعه دموکراتیک از اصلی ترین علل موجه، این قید محسوب می شود.

هنگامی که اجتماعات افراد همراه با حمل سلاح باشد، امنیت عمومی و جان افراد به شدت مورد تهدید قرار می گیرد. چه بسا هنگام درگیری اجتماع کنندگان و مخالفانشان با یکدیگر نه تنها جان خود آن ها، بلکه حق حیات سایر شهروندان نیز مورد تهدید قرار گرفته و حتی ممکن است نقض گردد. حق حیات از بنیادی ترین حق های بشری است که به هیچ بهانه ای نباید مورد تهدید قرار گیرد. در حالی که حمل سلاح توسط اجتماع بزرگی از افراد می تواند منجر به نقض کامل این حق شود و ماموران باید از امنیت مردم دفاع کنند و اولین صلاحیتی که پلیس در این مورد دارد این است که با توجه به این که داشتن اسلحه جرم است اشخاصی که اسلحه حمل می کنند دستگیر نماید.

در زمان بکارگیری سلاح توسط اجتماع کنندگان است و با دخالت و برخورد نیروهای انتظامی با اجتماعات مسلح صورت می گیرد. در نتیجه تجمعاتی که در آن سلاح حمل شود مسلحانه تلقی شده و بر اساس موازین بین المللی و قوانین داخلی مجوز برای مقابله با آنها وجود دارد قوانین و دستور العمل ها بر حسب بخش و ناحیه فرق می کند و پلیس در صلاحیت های گزینشی باید به این مورد توجه کند.

مقام عمومی در صورتی تشخیص خود را مقید می کند که قاعده ای را به صورت انعطاف ناپذیر اعمال کند؛ این در حالی است یک مقام عمومی باید با توجه به اوضاع و احوال هر قضیه از خود انعطاف نشان دهد. البته دولت در چهارچوب خط مشی ها و اصول کلی تعیین شده از انعطاف برخوردار است؛ اصل انصاف نیز اقتضای آن را دارد که با ایجاد این قواعد عمومی با مردم به صورت برابر رفتار شود، هرچند مقام عمومی با توجه به اصل تناسب همواره باید در اندیشه ی جواز یا عدم جواز استثناء در موارد مشابه باشد. اصل دیگری که به استناد آن در نظام حقوقی انگلستان در جهت تحدید صلاحیت گزینشی تلاش می شود، اصل انتظارات مشروع است. این اصل هنگامی مطرح می شود که یک شهروند با تکیه بر برخی اقدامات و اعمال دولت به این باور هدایت می شود که منافع و امتیازاتی را به دست آورده است و بر اساس آن، جهت انجام امور خود برنامه ریزی می نماید (هداوند، ۱۳۸۸، ۵۵۶).

پلیس در حالت اشوب افرادی را دستگیری کند این روش که متعاقبا و پس از اتمام اجتماعات صورت می گیرد. به دو شکل مجازات استفاده کنندگان اسلحه و ثبت سابقه برای آن دسته از اجتماعاتی که احزاب و گروه ها در آینده تشکیل خواهند داد. انجام می شود. این روش، روشی قضائی است که می تواند علاوه بر مجازات کسانی که از اسلحه استفاده کرده اند، باثبت سابقه مانع از تشکیل تجمعات برای گروههایی شود که به مشی مسلحانه روی آورده اند البته با توجه به موقعیت پلیس باید از صلاحیت گزینشی استفاده نماید و در بین تجمعات افراد را دستگیر کند اگر احتمال دهد که ممکن است تیر اندازی شود البته با توجه با بررسی کامل و تا جایی که امکان دارد دستگیر نمودن را به بعد از تجمعات موکول می کنند.

هر اقدامی که باعث خارج شدن اجتماعات از قید مسالمت آمیز بودن گردد، ممنوع است و باعث می شود که چنین تجمعات خشنی مورد حمایت اسناد بین المللی حقوق بشر قرار نگیرد. تجمعات ناپستی خشن باشد، این عبارت تمامی اقدامات خشونت آمیز از نازل ترین تا بالاترین سطح آن را دربر می گیرد. از این رو نه تنها اجتماعاتی که از سلاح استفاده می کنند، و صف مسالمت آمیز بودن را نقض کرده مورد حمایت نیستند، بلکه اجتماعاتی که خشونت آمیز بوده و در آن تجمع کنندگان به اقدامات خشونت آمیز و خشونت زامتوسل شوند نیز، مورد حمایت نیستند. بنابراین اجتماعاتی که در آن تجمع کنندگان به زور متوسل می شوند، تجمع را به آشوب و ناآرامی و در نهایت به شورش تبدیل کنند مورد حمایت نبوده و پلیس به عنوان نیروی امنیت نظم در جامعه موظف به مقابله و برخورد با آن است. از این رو برهم زندگان نظم و در آشوب های خیابانی، درگیری ها، شورش ها و اجتماعات توسط مامورین دستگیر شد برای محاکمه به دستگاه قضائی تسلیم می شوند و در این حالت پلیس زیاد از صلاحیت گزینشی استفاده می کند.

اگر چه دولت می تواند در صلاحیت های گزینشی خود شان از زور استفاده کند در اغتشاشات غیر مسالمت آمیز ولی دولت ها و نیروهای تحت آنها یعنی پلیس، در اقدامات شان در پراکندگی و کنترل اجتماعات خشن مبرا از حقوق بشری نبوده و باید به تعهدات خود عمل کنند. به عبارت دیگر، لزوم جلوگیری از تجمعات خشونت آمیز نباید به معنای مجوزی برای پلیس جهت سرکوب و با بکارگیری شیوه های خشن از جمله ضرب و شتم اجتماع کنندگان تلقی شود (بهادری، ۱۳۹۸، ۱۵).

۴-۹- منع بکارگیری بیان تنفر آمیز و خودداری از سخنان خشونت زا و صلاحیت پلیس

بی شک حافظه تاریخی ملت ها پر از حوادث تلخ و ناگواری از سایر ملتها است که ممکن است باعث تنفر یک ملت از ملتی شود و بسیاری از جنگها و درگیری های قرن گذشته حاصل عدم بردباری مذهبی، قومی نژادی و در نهایت ترویج و نهادینه شدن تنفر در میان ملتها بوده است. در همین رابطه گاندی می گوید: «قاعده زرین، رواداری متقابل است. زیرا همه ما هرگز عقاید یکسانی نداریم و همواره تنها بخشی از حقیقت را از زوایای مختلف می بینیم.» بیان، آشکارترین و سیله و ابزار جهت ابراز تنفر است و این گفتار افراد است که بیشترین نقش را برای ترویج تنفر در بین اقشار مختلف جامعه ایفاء می کند. شاید ضعیف ترین جلوه تنفر در قالب رفتار و عمل می آید که با تأملی بیشتر خواهیم دید این اعمال نیز در حیطه بیان قرار می گیرد.

سوال مهم در خصوص این موضوع این است که آیا بیان تنفرآمیز مورد منع بین المللی است یا بیان تنفر زاکدام یک جزء صلاحیت قانونی است.

انواع بیان که در سطح اجتماع وجود دارد نمودی از فرهنگ آن جامعه و تابعی از شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. از این رو اگر جامعه به سمت خشونت سیر کند بالتبع بیانات افراد که تابعی از شرایط جامعه است نیز به سمت خشونت کلامی سوق می یابد.

آزادی اجتماعات از جمله آزادی‌هایی است که ارتباط نزدیک و تنگاتنگی با آزادی بیان دارد، به طوری که برخی این آزادی را نیز بیان جمعی می‌دانند و در تقسیم‌بندی‌های صورت گرفته این آزادی را از مهم‌ترین مصادیق آزادی بیان می‌دانند. «اجتماع کردن نوعی بیان است حتی اگر با سکوت باشد در این خصوص نیز لازم است اشاره شود که آزادی بیان، یک آزادی نیست، بلکه دارای محدودیت‌هایی است که در بند ۳ ماده ۱۹ میثاق بین‌الملل مدنی و سیاسی آمده است. این محدودیت‌ها همانند تمامی محدودیت‌هایی است آزادی‌هایی که مطلق نیستند، اعمال می‌شود و آن را مقید می‌کند (خلخال، پیشین، ص ۵۳).

اما نکته قابل توجه در بحث آزادی بیان و بیان تنفرآمیز، ماده ۲۰ میثاق بین‌الملل حقوق مدنی و سیاسی است که محدودیتی ویژه و افزون بر آزادی بیان است، بیان توهین‌آمیز با بیان تنفر را همان محدودیت ویژه‌ای است که در ماده ۲۰ میثاق آمده و به دلیل اهمیتی که این امر داشته آن را به صراحت ممنوع اعلام کرده است، برخی بیان می‌کنند که محدودیتی بر آزادی بیان و برخی نیز آن را ضرورتی برای حمایت از اقلیت‌ها و آسیب‌پذیر اقلیت‌ها در هر جامعه دموکراتیک میدانند. (به میزگرد علمی بررسی ابعاد حقوقی آثار بیان تنفرآمیز از منظر موت‌المللی حقوق بشر و اندیشه اسلامی، کمیسیون حقوق بشر اسلامی، تهران، ۱۳۸۸).

اما جدا از این تعابیر متفاوت، آنچه اهمیت دارد نگاه ویژه‌ای است که اسناد بین‌المللی به این امر داشته و بیان تنفرآمیز یا تنفر را از دایره گسترده آزادی بیان جدا می‌کند.

بیان تنفرآمیز می‌تواند امنیت عمومی و جان افراد را به مخاطره انداخته و جامعه را به سوی خشونت، تنفر، تبعیض و حتی جنگ‌های قومی و گروهی ترغیب کند و آثار بسیار ناگواری را برای جامعه ایجاد کند که تا سال‌ها نتوان تبعات آن را جبران کرد.

ثانیا، اگر در سطح وسیع، گسترده و نظام‌مند باشد، ممکن است باعث برهم خوردن نظم عمومی در یک جامعه شده و شورش، خشونت و آشوب از نتایج حتمی آن باشد.

ثالثا، اگر همراه با رفتارها یا گفتارهای موهن و مستهجن باشد، ممکن است اخلاق عمومی یا همان اخلاق حسنه را نقض کند. برخی مصادیق بیان تنفرآمیز را بیشتر جزء مصادیق هنجارهای اخلاقی می‌دانند تا حقوقی

رابعا، ممکن است حقوق و آزادی‌های دیگران را نقض کند. اگر بیان تنفرآمیز ناظر به حقوق اقلیت‌ها و یا سایر گروه‌های اجتماعی باشد، می‌تواند موقعیت آنان را در جامعه متزلزل کرده و یا موجبات اعمال مذکور در ماده ۲۰ میثاق را فراهم آورد.

این آزادی اجتماعات بسیار حساس‌تر از سایر آزادی‌هاست، چه اینکه این بیانات صورت‌دسته جمعی و در سطحی گسترده شکل گرفته و به تبع دایره بیشتری را نیز دربرگیرد.

۴-۱۰- خودداری از سخنان خشونت‌زا و اختیارات ماموران پلیس

منع تحریک و ترغیب به خشونت و کینه، تجمعات افراد به علت گسترده و جمعیت قابل توجهی که در آن وجود دارد تأثیرات زیادی را درون جامعه خواهد داشت. دولت‌ها باید در بهره‌مندی و حمایت از آزادی اجتماعات افراد تمامی سعی و اهتمام خود را بکار گیرند، افراد و بهره‌مندان از این حق نیز باید

مقتضیات یک جامعه دموکرات متکثر را رعایت کرده و در این خصوص وظیفه خود که همانا احترام و رعایت حق و آزادی های سایر افراد است انجام دهند. در جوامع متکثر و با اقلیت های فراوان و با جوامعی که یک گروه نسبت به اکثریت در اقلیت به سر می برند، عدم رعایت تسامح، تساهل و بردباری در ابراز عقاید و آراء و عدم رعایت مقتضای یک جامعه متکثر باعث خواهد شد که تبعیض، ناآرامی، کینه، تنفر و در نهایت خشونت و جامعه تولید شود. این موضوعی است که اسناد بین المللی و نظام بین المللی حقوق بشر را منع کرده است. با توجه به مطالب فوق، بایستی گفت که نه تنها توسل به خشونت و اقدامات خشونت آمیز مذموم و ممنوع است، بیاناتی که خشونت را در جامعه تولید کند و یا زمینه خشونت را ایجاد کند نیز بایستی ممنوع شود. از این رو جمععاتی که شرکت کنندگان در آن با شعائر، تصاویر و حرکاتشان باعث ایجاد خشونت در سایر افراد و مخالفان می شوند، بایستی ممنوع اعلام شوند.

البته لازم به ذکر است که این رویه بسیار حساس و در مواردی خطرناک است و نیاز به دلایل زیادی دارد. پلیس در صلاحیت های گزینشی خودش باید توجه کند که ممنوع اعلام کردن اینگونه جمععات بایستی مسبوق به سابقه باشد و به راحتی نمی توان به گمان اینکه تجمعی باعث خشونت در جامعه و یا برهم خوردن نظم عمومی و ایجاد اختلاف بین گروهها می شود، ممنوع اعلام شود. البته این موضوع در کشورهای جهان، متفاوت بوده و تفا سیر متفاوتی از اینگونه بیانات وجود دارد و بالتبع آستانه تحمل دولت ها و نحوه برخورد با این گونه جمععات نیز متفاوت است. به عنوان مثال، راهپیمایی نئونازیسم ها در محله یهودی نشینان در آمریکا از جمله راهپیمایی هایی است که هر ساله برگزار شده و هرچند این امر باعث هرچه عمیق تر شدن اختلاف بین این گروه ها می شود، این اجتماعات تا کنون توسط دولت ایالات متحده امری ممنوع اعلام نشده است. از سوی دیگر چنین اجتماعاتی هرگز نمی توانند در کشورهای امروز بروز و ظهور پیدا کنند. این در حالی است که در نظام حقوقی ایران و به ویژه کمیسیون ماده ۱۰ احزاب در بسیاری از موارد، با تلقی اینکه تجمعی مخالف مبانی اسلام است به درخواست افراد، به جهت اخذ مجوز ترتیب اثر نداده است و این از تفاوت رویه کشورها حکایت دارد (هداوند، ۱۳۸۸، ۷۸).

۴-۱۱- اصول صلاحیت گزینشی برخورد نیروهای پلیس با اجتماعات غیر مسالمت آمیز

پلیس و نیروهای انتظامی پس از آنکه به اجتماعات به ناآرامی و آشوب تبدیل شد، باید برای حفظ آرامش، امنیت جامعه و به خصوص حق حیات سایر شهروندان به کنترل و پراکندگی اجتماعات نا آرام پردازند تا یکی از وظایف خود را با رعایت هنجارهای حقوق بشری در این زمینه انجام دهند.

دولت در مهار و پراکنده کردن اجتماع کنندگان نمی تواند به هر وسیله و روشی متوسل شود و به هر نحوی که بخواهد آنان را سرکوب کند، بلکه تعهدات حقوق بشری دولت برای حفظ حیات و امنیت شهروندان است و در این هنگام دو اصل ضرورت و تناسب نقش کلیدی و اصلی ایفاء می کند نیروهای پلیس علاوه بر کارکردهای ویژه در اجتماعات که همان حمایت و پشتیبانی از اجتماعات است، با توجه به وظیفه ذاتی شان یعنی حفظ نظم و امنیت جامعه، در صورتی که اجتماعات غیرقانونی یا ناآرام و غیرمسالمت آمیز باشد، وظیفه کنترل و بازگرداندن آرامش به جامعه و شهروندان را نیز دارند. هنگامی که اجتماعات از

حالت مسالمت آمیز خارج شود، ممکن است طیف وسیع و متنوعی از خشونت از سوی اجتماع کنندگان اعمال شود و خشونت از سطح بسیار نازلی آغاز شده و تا سطح بسیار بالایی گسترش یابد در این گونه موارد نیروهای پلیس باید آرامش را حفظ نمایند (بهادری، ۱۳۹۸، ۳۸).

در خصوص اجتماعات بدون اطلاع و بدون مجوز که در اصطلاح به آن اجتماعات غیر قانونی گفته می شود.

مسئولان و مقامات دولتی به منظور پایان بخشیدن به شورش های داخلی، عموماً در سطح گسترده ای، از نیروهای پلیس یا حتی نیروهای مسلح استفاده می کنند؛ امری که چارچوب اراده معطوف به «حاکمیت» و نظم عمومی و محدودیت های ناشی از آن و به اقتضای ضرورت های اجتماعی و سیاسی توجیه می شود. اما به تجربه ثابت شده که آشوب ها و شورش های داخلی تضعیف حاکمیت قانون است که با تخلفات گسترده حقوق بشر، زمینه ساز آسیب زیاد به مردم می شود. چرا که در چنین اوضاعی مقوله توأم با وظیفه حفظ نظم و امنیت، قدرت نامحدود و فوق قانون را استفاده می کند و با اقتدار مطلق دولتها، یکسان تلقی می شود.

بر این اساس می توان بر این باور بود که اگر چه در جهت اعمال حاکمیت و برقراری یا اعاده نظم عمومی تأمین کننده منافع و مصالح عمومی، اقدامات محدود تری برای دولت مشروع تلقی می گردد، تا آنجا که حتی الامکان اختیار استفاده از زور، مجاز شمرده می شود، اما اعمال زور، تابع محدودیتها و ممنوعیت هاست

۴-۱۲- صلاحیت گزینشی شورش و آشوب های داخلی و نقش ماموران در کنترل بر حسب صلاحیت گزینشی

شورش ها و آشوب های داخلی خشونت بار حادث شده و به تدریج از سوی گروه رسمی حکومتی به وجود می آید و به تدریج از سوی گروه های سازمان یافته برای مبارزه با مقامات به وجود می آید در شورش ها اول باید دید که شورش است یا اینکه تبدیل به یک درگیری مسلحانه شده است در گام بعد راجع به قاعده حقوقی قابل اعمال در این وضعیت سخن بگوئیم. توصیف این که یک تجمع غیر مسالمت آمیز چه زمانی شورش بوده و یا به درگیری مسلحانه تبدیل شده، کار بسیار مشکلی است، البته در این خصوص، در رویه های قضائی بین المللی مؤلفه هایی وجود دارد. (عبداللهی، ۱۳۸۸، ۱۵).

در سرکوب شورشها، حقوق قابل اعمال حقوق بشر است. در واقع، در این باره، حقوق موضوعه وجود ندارد. به عبارت دیگر، نه در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و نه در سایر کنوانسیون ها این امر مورد پیش بینی قرار نگرفته است و تنها در چارچوب حقوق نرم یا قوام نیافته میتوان قواعد و مقرراتی را در خصوص این وضعیت ها یافت. منظور از حقوق نرم، همان اعلامیه ها، قطعنامه ها و رفتارهای است که غالباً الزام آور نیستند، ولی در طول زمان تبدیل به حقوق سخت یا قوام یافته و الزام آور می شود (عبداللهی، ۱۳۸۸).

در آشوب‌ها نیروهای انتظامی اول باید سعی نمایند مسالمت‌آمیز برخورد کرده اما اگر دیدند که طرف مقابل اسلحه دارد و جان مردم در خطر است باید از صلاحیت‌گزینشی استفاده کرده و مانع از کشته شدن مردم شود. در خصوص چگونگی اعمال نظارت بر صلاحیت‌های گزینشی، اختلاف است؛ به ویژه آنکه در زمینه‌ی نظارت قضایی بر صلاحیت‌های گزینشی، محاکم عموماً با محدودیت‌هایی مواجه می‌باشند؛ چرا که صلاحیت ورود به «حسن تصمیم» آن عده از مقامات عمومی دارای صلاحیت‌گزینشی را فاقد می‌باشند؛ در صلاحیت‌های گزینشی «کنترل حداقلی» صلاحیت‌های تکلیفی کنترل «عادی» اعمال می‌شود. به این معنی که در اعمال کنترل بر صلاحیت‌های گزینشی نقش دادگاهها کم‌رنگتر از سایر موارد است؛ زیرا در صلاحیت‌های گزینشی دادگاه‌های بسیاری با اعتماد به مقام عمومی پذیرفته‌اند که این مقام باید بتواند آزادانه اتخاذ تصمیم نماید؛ اوج این رویکرد را می‌توان در مسائل فنی و تخصصی اداری یافت. امروزه اکثر محاکم پذیرفته‌اند که برخی مسائل کارشناسانه و تخصصی به خود مقام عمومی (قوه مجریه) واگذار شده است؛ لذا قضات نمی‌توانند ارزیابی دقیقی از آن داشته باشند؛ مگر آنکه معیارهای تناسب و معقول بودن آشکارا رعایت نشده باشد؛ از همین رو است که گفته می‌شود نظارت بر صلاحیت‌های گزینشی حداقلی است.

۴-۱۳- دیدگاه کمیته حقوق بشر در مورد صلاحیت‌گزینشی ماموران در اجتماعات

کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در آرا و تفاسیر عمومی خود در خصوص آزادی اجتماعات توصیه‌هایی را به کشورهای عضو ارائه نموده است. در مجموع این رأی و توصیه که در قالب اظهار نظر آمده است، مطالبی در خصوص مسالمت‌آمیز بودن اجتماعات، اخذ مجوز، نحوه برخورد نیروهای پلیس و کنترل اجتماعات ناآرام هرچند محدود اشاره گردیده است. این کمیته در خصوص نحوه برخورد نیروهای پلیس با اجتماعات ناآرام در بندهای ۱۴ و ۲۱ اظهار نظر نهایی خود چنین اشعار می‌دارد:

بند ۱۴: کمیته نگرانی خود را در خصوص شیوه‌های به کار گرفته شده توسط پلیس دانمارک شامل استفاده از سگ‌ها علیه مشارکت‌کنندگان در انواع تظاهرات و تجمعات که منجر به صدمات شدید به جمعیت و رهگذران شده است، اعلام میدارد و به هیچ وجه این موارد را جزء صلاحیت‌گزینشی قرار نداده است.

بند ۲۱: کمیته مصر از کابینه دولت‌های عضو می‌خواهد که نیروهای پلیس خود را در خصوص شیوه‌های کنترل اجتماع‌کنندگان مورد بررسی قرار داده و به نیروهای خود آموزش‌های لازم را در این خصوص داده شود.

از اظهار نظرهای کمیته موارد زیر حاصل می‌شود.

اولاً کمیته از دولت‌های عضو و نیروهای پلیس هر کشور می‌خواهد در کنترل اجتماع از ابزار و وسایلی استفاده نمایند که بنا به تعبیر کمیته منجر به صدمات شدید به اجتماعی و رهگذران نشود؛ در این خصوص کمیته نگرانی خود را از بکارگیری روش‌های خشونت‌آمیز مانند استفاده نیروهای پلیس از سگ‌ها اعلام می‌دارد.

ثانیا، بنابر اظهارات کمیته، شیوه‌های کنترل اجتماعات باید مورد بررسی قرار گرفته و در این خصوص دولت‌ها باید از نیروهای پلیس آموزش دیده استفاده نمایند و بالتبع آموزش‌های لازم را در این خصوص به نیروهای شان بدهند. از این رو، کمیته خواستار تجدید نظر جدی دولت‌ها در روش‌هایی است که صدمات زیادی را متوجه اجتماعات کرده و موجبات نارضایتی و خشم اجتماع‌کنندگان را فراهم آورد. هرچند کمیته حقوق بشر نظرات خود را در قالب یک تفسیر عمومی انتشار نداده است، اما نکات بسیار قابل توجهی در این نظرات آمده که می‌تواند در شکل‌گیری قوانین داخلی بسیار مؤثر باشد. حقوق بشر به هیچ عنوان اقدامات خشونت‌آمیز را جزء صلاحیت‌های گزینشی قلمداد نکرده و نفی می‌کند.

۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

به موجب بند سوم از ماده ۴ قانون نیروی انتظامی، مأموریت ممانعت و جلوگیری از راهپیمایی‌ها و اجتماعات غیرمجاز به نیروی انتظامی واگذار شده است، بنابراین هنگامی که تجمعات از حالت مسالمت‌آمیز خارج شده و به خشونت کشیده شود، نیروهای پلیس وظیفه دارند در جهت حفاظت از جان شهروندان و همچنین اعاده نظم و امنیت در جامعه به برخورد و مقابله با تجمع‌کنندگان بپردازند. از این رو در چنین مواقعی، نیروهای پلیس با استعمال تدریجی زور و بکارگیری ابزارهای غیرخشن به برقراری نظم و امنیت و پراکنده کردن تجمع می‌پردازند و اجازه برخورد شدید را در وهله اول ندارند.

از سوی دیگر، وضعیت‌هایی که در آن تجمعات به خشونت کشیده شده با تعریف و احصا شده و برای هریک نحوه کنترل و برخورد تعیین شود. از مهم‌ترین مصادیقی که برای تجمعات غیرمسالمت‌آمیز می‌توان نام برد، شورشها، ناآرامی‌ها و آشوب‌های داخلی است که اجتماعات بستر این گونه اتفاقات است. با سیری در اسناد بین‌المللی، به خصوص اصول اساسی استفاده از زور و سلاح‌های گرم توسط مأمورین نیروهای انتظامی، خواهیم دید که اجازه سرکوب تجمعات کشور با رعایت موازین حقوقی، به خصوص تعهدات حقوق بشری کشورها، به نیروهای پلیس هر کشور داده شده است. در همین خصوص مواد ۱۲، ۱۳ و ۱۴ از این تبیین‌چگونگی برخورد نیروهای پلیس با تجمعات غیرقانونی پرداخته است. قسمت که مربوط به چگونگی برخورد نیروهای پلیس با تجمعات غیرمسالمت‌آمیز است. به تجمعات خشن اشاره شده است در خصوص تجمعات خشن اعم از مسلحانه این سند به نیروهای انتظامی اشاره شده است و مجوز مقابله و در صورت ضرورت بکارگیری سلاح را اعم از مسلحانه و غیرمسلحانه تحت شرایط مذکور در ماده ۹ نیروی انتظامی بیان کرده است. نکته‌ای که در خصوص این ماده وجود دارد، عدم تجمعات

مسلحانه و غیر مسلحانه در توسل به سلاح در هریک از این وضعیتها و قانون گذار ایران در قانون بکارگیری سلاح توسط مامورین نیروهای مسلح در خصوص چگونگی بکارگیری سلاح و برخورد با اجتماعات خشونت بار، بین تجمعات مسلحانه و غیر مسلحانه تفکیک قائل شده است. مواد ۴ و ۵ این قانون به شرایط بکارگیری اسلحه در هر دو وضعیت پرداخته است. ماده ۴ قانون فوق الذکر، ۵ شرط را برای اعمال این ماده قائل شده است: ۱- شورش و ناآرامی غیر مسلحانه باشد. البته ماده ۴ تصریحی در این خصوص نکرده، اما مفهوم مخالف ماده ۵ همین قانون بیانگر این امر است. ۲- تشخیص ناآرامی ماده ۴ برعهده شورای تامین است. (تبصره ۱ ماده ۴) فرمانده عملیات دستور بکارگیری سلاح را صادر نماید. ۴- قبلا از وسایل دیگری مطابق مقررات استفاده شده و مؤثر واقع نشده باشد. ۵- قبل از بکارگیری سلاح با اخلاالگران و شورشیان نسبت به استفاده از سلاح اتمام حجت شده باشد.

تمامی مراتب فوق حاکی از استعمال تدریجی زور علیه تجمعات خشن و تفاوت اساسی در نحوه برخورد میان تجمعات غیرمسالمت آمیز مسلحانه و غیر مسلحانه است. در تجمعات غیرمسلحانه نیروهای انتظامی باید تمام تلاش خود را کرده تا بدون بکارگیری اسلحه تجمع را کنترل و در نهایت پراکنده کنند. اصولا واحدهای کنترل اغتشاشات به وسایل متعددی از قبیل سپر، باتوم، گازهای اشک آور، خودروهی آب پاش و گلوله های پلاستیکی مجهز هستند. فرمانده عملیات موظف است قبلا از بقیه امکانات و ابزارهای موجود استفاده کرده و پس از قطع امید از کارایی ابزارهای مذکور و بیم از توسعه ناآرامی اقدام به صدور دستور تیر اندازی نماید و در قانون ایران این اجازه به مامور داده شده است و جزء صلاحیت گزینشی اوست (هداوند، ۱۳۸۸، ۶۳).

هر گاه افراد شرکت کننده در تجمعی از سلاح استفاده کنند، بی شک نیروهای انتظامی حق بکارگیری سلاح را خواهند داشت. در همین خصوص اسناد بین المللی بکارگیری سلاح را به نیروهای انتظامی داده است، هرچند نیروها صلاحیت استفاده از سلاح را دارند ولی در بکارگیری سلاح باید هم موازین بین المللی و هم قوانینی داخلی را رعایت کند و از به کار بردن صلاحیت های گزینشی خود سرانه احتنا ب نمایند.

۱- اصولا قانون گذار بین المللی بین تجمعات غیر قانونی غیر خشن و خشن تفاوت قائل شده است و تنها در اجتماعات خشن و تحت شرایطی بکارگیری سلاح پذیرفته است و استفاده از اسلحه را در اختیار مامورین اداری و انتظامی و جزء صلاحیت گزینشی قرار داده است. ۲- قانون گذار ایران بین تجمعات مسلحانه و غیره مسلحانه تفاوت قائل شده است و از این رو نظام متفاوتی برای هر یک ایجاد کرده است؛ ۳- لحن قانون گذار بین المللی در بکارگیری سلاح بسیار محتاط تر بوده و آن را به عنوان آخرین حربه در کنترل تجمعات دانسته است؛ ۴- در تجمعات بدون مجوز و به اصطلاح غیرقانونی، رویه بین المللی با توجه به اسناد فوق عدم توسل به بکارگیری زور و خشونت بوده و این در حالی است که قانون ایران حتی بکارگیری سلاح را در مواردی برای نیروهای صلاحیت دار مجاز می داند قانون گذار ایران در تحت شرایطی خاص به کار بردن اسلحه را جزء صلاحیت گزینشی قرار داده است. رعایت اصل قانونی بودن در صلاحیت های گزینشی پلیس اهمیت بیشتری دارد. مقامات اداری علیرغم داشتن صلاحیت های اختیاری از

اتخاذ تصمیمات دلبخواهانه و خارج از قانون ممنوع هستند. براین اساس می‌توان گفت: اصل قانونی بودن در رابطه با اعمال و تصمیمات اداری دو وجه دارد: اول؛ وجه ایجابی، که بر اساس آن کلیه اقدامات و تصمیمات مقامات اداری باید مطابق با قانون باشند و دوم؛ «وجه سلبی»، که مقامات اداری نباید خارج از چارچوب قانون اقدام کنند.

همواره نظم عمومی در مصاف با آزادی اجتماعات دارای تقدم رتبی است. از این رو در تمام نظام‌های حقوقی، از جمله در نظام حقوقی ایران، آزادی اجتماعات در پرتو اقتضائات مربوط به نظم عمومی (غیر مسلحانه بودن و منع اخلال به مبانی اسلام) قابل اعمال است. اما با وجود سکوت قانون‌گذار اساسی ایران در زمینه لزوم دریافت مجوز برای برگزاری اجتماعات؛ قانون‌گذار عادی پارلمان، به لزوم دریافت مجوز قبلی از دولت تاکید کرده است که این امر تحدیدی فراتر از چارچوب سلسله مراتب هنجاری موجود میان قوانین اساسی و عادی به شمار می‌رود. بر این اساس در حال حاضر در نظام حقوق داخلی، صلاحیت تشخیصی مقامات عمومی نظیر پلیس و مقامات وزارت کشور از وزیر کشور، استانداران، فرمانداران و بخشداران در زمینه صدور مجوز برگزاری اجتماعات بسیار فراخ است که همین امر امکان تحدید و تضييع و سيع آزادی اجتماعات را فراهم می‌سازد. این در حالی است که می‌توان نتیجه گرفت که راهبرد مطلوب پلیس در کنترل اجتماعات در شرایط عادی؛ از میان دو نظام حاکم بر کنترل اجتماعات (نظام تعقیبی و نظام تأمینی) است اگرچه نظام تعقیبی، نظم عمومی را به درستی تأمین نمی‌کند، اما تضمینی مناسب برای اعمال آزادی اجتماعات است، برعکس نظام پیشگیرانه اگرچه پاسدار حریم نظم عمومی است اما آزادی اجتماعات را به مخاطره خواهد افکند. بنابراین ضرورت ایجاد یک رابطه متعادل حقوقی میان آزادی اجتماعات و نظم عمومی ایجاب می‌کند میان مقتضیات مربوط به حفظ نظم عمومی و آزادی اجتماعات آشتی داده شود. چنین سازشی ممکن نیست مگر اینکه دو نظام تعقیبی و پیشگیرانه با یکدیگر تلفیق شوند که نتیجه آن نظام بینابینی با اولویت شیوه «اعلام قبلی» خواهد بود. اما در شرایط استثنایی؛ به استناد اصل ضرورت، (با توجه به آثار تخریبی سهمگین اعمال آزادی اجتماعات در این شرایط راهبرد مطلوب پلیس، دست‌یازیدن به شیوه «ممنوعیت موقت آزادی اجتماعات» است، همچنین باید اذعان کرد، رویکرد کنونی پلیس ایران با توجه به تحولات سیاسی و اجتماعی اخیر حاکم بر کشور که منجر به برگزاری تجمعات متعدد اعم از قانونی یا غیر قانونی شده؛ بیانگر آن است که عملکرد پلیس در حوزه کنترل اجتماعات با توجه به اهتمام روزافزونی که به مفاهیم حقوق شهروندی و حاکمیت قانون صورت گرفته است با نوعی انعطاف و پختگی همراه بوده است که با تقویت و استمرار این فرایند، می‌توان امیدوار بود که حق بر آزادی اجتماعات محفوظ و نظم عمومی نیز به نحو مطلوب تأمین شود، البته نباید از تاثیر چشمگیر میزان بلوغ سیاسی ویژه و یگان امداد توجه ویژه صورت پذیرد. سوم، نهاد پلیس نیز با توجه به فلسفه تاسیسی خود که همان پاسداری از نظم عمومی است بیش از پیش در پاسداشت حق‌ها و آزادی‌های گروهی گروهی شهروندان از جمله آزادی اجتماعات همت گمارد.

جامعه و شهروندان در اعمال صحیح آزادی اجتماعات غافل بود. در پایان باید گفت؛ اگرچه رویکرد اخیر پلیس ایران، گامی مثبت برای تضمین آزادی اجتماعات و تأمین نظم عمومی به شمار می‌رود. اما با این

وجود پیشنهاد می شود: نخست، قانون گذار (پارلمان) هر چه سریع تر در چارچوب سلسله مراتب هنجاری (قوانین و مقررات) و در راستای احیاء حاکمیت قانون، سامانه قانون گذاری اختصاصی برای پاسداشت نظم عمومی در شرایط عادی و به ویژه در شرایط استثنایی را به تصویب برساند. دوم، برای تقویت مفهوم حاکمیت قانون و به دنبال آن مفهوم مأموران اداری و انتظامی قانون مدار در کنترل اجتماعات، در سرفصل ها و برنامه های آموزشی پلیس (به ویژه پلیس یگان) نظام پلیسی در ارتباط با برقراری نظم با سلاح گرم مزایا و معایبی دارند. در نظام پلیسی ایران همه ضابطان قضایی و فرماندهان، افسران و درجه داران عملیاتی به سلاح گرم مسلح می شوند. در صورتی که این کار ضروری نیست و فقط در مأموریت های خطیر باید مأموران به سلاح گرم تجهیز شوند. در واقع، بحث ضرورت در نظام پلیسی ایران فقط در تیراندازی پیش بینی شده است. برای تجهیز مأموران به سلاح گرم نیز بهتر است که به ملاک ضرورت مراجعه شود و فقط در موارد ضروری، مأموران به این ابزار تجهیز شوند. حمل سلاح گرم توسط مأموران اداری و انتظامی، راه را برای رفتار احساسی خشن با شهروندان باز می کند و مأمور پلیس در جریان درگیری لفظی یا فیزیکی با متهمان با شهروندان عادی، به جای مذاکره لسانی اقناعی با شهروند عادی یا اقدام فیزیکی و استفاده از فنون ورزشی برای دستگیری متهم، به سلاح گرم متوسل می شود.

منابع و ماخذ

- اکبری، امیر هوشنگ و دیگران. (۱۳۹۰). عملیات ویژه (کنترل اجتماعات). چاپ دوم. معاونت تربیت و آموزش نیروی انتظامی.
- الیاسی، محمد حسین و مرادی (۱۳۸۸). اغتشاش، شورشگری و عملیات روانی از نظریه تا عمل. چاپ اول. تهران: انتشارات زرد.
- دوفار، ژان. (۱۳۹۱). آزادی های گروهی. (علی اکبر گرجی از ندریانی، مترجم). چاپ اول. تهران: انتشارات مجد. زرگوش، مشتاق. (۱۳۹۲). مسئولیت مدنی کارکنان دولت. چاپ اول. تهران: انتشارات جنگل.
- صفر آبادی، ایمان. (۱۳۹۰). عوامل موثر در شکل گیری و تشدید آشوب. چاپ اول. نشر معاونت تربیت و آموزش نیروی انتظامی.
- صفری کاکرودی، عابدین. (۱۳۸۵). موانع مسئولیت کیفری مأموران پلیس. تهران: نشر میزان.
- عباسلو، بختیار و نظری، محمدرضا. (۱۳۹۴). تضمین آزادی های عمومی در شرایط فوق العاده. چاپ اول. تهران: معاونت حقوقی و امور مجلس نیروی انتظامی.
- عباسی، بیژن. (۱۳۹۵). حقوق بشر و آزادی های بنیادین، چاپ اول. تهران: نشر دادگستر.
- عباسی، بیژن. (۱۳۹۶). مبانی حقوق عمومی، چاپ دوم. تهران: نشر دادگستر.
- قاری سید فاطمی، سیدمحمد. (۱۳۸۸). حقوق بشر در جهان معاصر. جلد دوم، چاپ دوم، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.

قاسمی، آرین. (۱۳۹۲). حق بر آزادی تجمع در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.

هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۹۰). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. چاپ اول. تهران: نشر میزان.

Arnold, R., & Martínez-Estay, J. I., (Eds.). (2017). Rule of Law, Human Rights and Judicial Control of Power: Some Reflections from National and International Law, ۶۱(۵).

Beinin, J. (2011). Civil Society, Social Movements, and the Arab Uprisings of ۲۰۱۱. *Review of International Affairs*, ۹(۴).

Benyon, J. (1987). Interpretations of civil disorder, in J. benyon and J. Solomos (eds) *The Roots of Urban Unrest*. Oxfoed: Pergamon Press.

Binder, M., & Heupel, M. (2015). The legitimacy of the UN Security Council: Evidence from recent General Assembly debates. *International Studies Quarterly*, ۵۹(۲), pp ۲۳۸-۲۵۰.

Burgorgue-Larsen, L. (2010). *Les concepts de liberté publique et de droit fondamental*. Butler, Judith. (۲۰۱۵). Notes toward a performative theory of assembly. Harvard University Press.

Çali, B. (2017). The power of ordinary laws and the feebleness of constitutional rights: the right to freedom of assembly in Turkey. *Research and Policy on Turkey*, ۱۸(۳).

Celikturk, T. (2016). Efficiency Of Think-Tank's Policy Recommendations In Turkey: Case Of Kurdish Issue. *European Scientific Journal*, ESJ, ۱۲(۱۰).

Corbeanu, *Droits administratifs*. (2010). curs universitar, Ediția a II-a, revăzută și completată, Editura Lumina Lex, ucarest.